

## کودکان از مرگ چه می‌دانند؟

هر کودکی دیر یا زود با پدیده مرگ آشنا می‌شود و چه بهتر که در هنگام این رویداد، پدر و مادری مطلع و هوشیار در کنار فرزند حضور داشته باشند...



هر کودکی دیر یا زود با پدیده مرگ آشنا می‌شود و چه بهتر که در هنگام این رویداد، پدر و مادری مطلع و هوشیار در کنار فرزند حضور داشته باشند.

بسیاری از ما فکر می‌کنیم که فرزند خردسال ما چیزی از مرگ نمی‌داند ولی اینطور نیست. امروزه به دلیل وجود برنامه‌های تلویزیونی و کارتون‌ها، بچه‌ها خیلی زود با پدیده‌ای که شبیه به خواب رفتن است، آشنا می‌شوند و یکی از رایج‌ترین سؤالاتی که ذهن کودکان را به خود مشغول می‌کند این است: مگر کسی برای خوابیدن دیگری گریه می‌کند؟

مرگ، بخشی از زندگی است و برخلاف تصور ما، کودکان در سنین دبستان کاملاً با آن آشنا هستند ولی متأسفانه به دلیل آنکه معمولاً در فضایی خانواده‌های ایرانی، صحبت در مورد این قضیه ممنوع است و والدین سعی می‌کنند که آن را از بچه‌ها مخفی نگه دارند، کلامی در این زمینه رد و بدل نمی‌شود و همین برخورد سبب می‌شود که کودکان آن را مسئله‌ای ترسناک، بد و ممنوع بدانند و این قضیه هنگامی بغرنج می‌شود که چنین موردی برای یکی از نزدیکان و عزیزان کودک مانند والدین، پدربزرگ، مادربزرگ و... رخ دهد. در چنین مواقعی به کودکان ضربه سهمگین روحی وارد می‌شود و حتی اختلالاتی در جسم و عملکرد روزانه او به وجود می‌آورد. اگر شما پیش از وقوع چنین حادثه‌ای، حتی برای یک‌بار، با فرزندتان در این زمینه صحبت کرده و توضیحاتی به او داده باشید، کمتر رنج برده و زودتر خود را با شرایط جدید هماهنگ می‌کند. کافی است به کودک اجازه دهید تا راجع به آن با ما حرف بزند.

با گفت‌وگو کردن، پی می‌بریم که او درباره مرگ چه چیزهایی می‌داند و چه چیزهایی نمی‌داند یا در واقع از پدیده مرگ چه غولی برای خود ساخته است. اگر این وقت را برای فرزندتان بگذارید و با او در این باره حرف بزنید، دیگر برای هر بار دیر کردن یا بیماری شما، ترس از مردن و تنها شدن به سراغشان نمی‌آید و اینکه حتی در لفافه به کودک این دلگرمی را دهید که در صورتی که اتفاقی برای شما بیفتد چه کسانی از دوستان و نزدیکان، همیشه در کنارش بوده و او را تنها نمی‌گذارند. کودک نیاز به قوت قلب دارد. می‌توانید از او بپرسید: آیا می‌ترسی که من بمیرم و تو تنها بمانی؟ فکر نمی‌کنم به این زودی‌ها بمیرم. سعی می‌کنم تا وقتی احتیاج داری در کنارت بمانم و مراقبت باشم.

تحقیقات نشان داده که با بالا رفتن سن کودک، نگرش او نیز نسبت به مرگ تغییر می‌کند. به طور مثال کودکانی که در گروه سنی 4 یا 5 سال قرار دارند معمولاً مرگ را امری برگشت‌پذیر دانسته و فکر می‌کنند که این مسئله برای آنها و خانواده‌شان پیش نمی‌آید. در سنین بین 5 تا 9 سالگی، کودک کم‌کم به این باور می‌رسد که مرگ برگشتی ندارد و همه موجودات زنده یک روز می‌میرند. در این سن آنها مدام در فکر کشف راهی هستند که خود و نزدیکانشان را نجات دهند. از سن 9 سالگی تا نوجوانی کاملاً درک خواهند کرد که مرگ قابل بازگشت نیست و همچنین خود و نزدیکانشان نیز یک روز می‌میرند. در این سن معمولاً نوجوانان تمایل به دانستن مطالبی علمی در مورد مرگ دارند و کنجکاوی به خرج می‌دهند.

یکی از دلایل ترس والدین در مورد صحبت درباره مرگ این است که خود اطلاعات جامعی در این زمینه ندارند و واژه‌ها دارند که نتوانند پاسخ‌های درستی به کودک دهند یا برای کنجکاوی‌های او جوابی داشته باشند. در اینجا بهتر است با او روراست باشید و هر جا که پاسخ صحیحی را نمی‌دانستید، به او راستش را گفته و سعی کنید به دنبال جواب بگردید.

البته باید دقت کنید که با برخی از پاسخ‌ها، ترس بیشتری را در او ایجاد نکنید. مثلاً گاهی والدین به کودک می‌گویند: مرگ مثل خوابیدن است. اگر شما در ادامه، توضیح بیشتری را ندهید، کودک دچار ترس از خوابیدن می‌شود و فکر می‌کند بهتر است نخوابد تا نمیرد! و یا اینکه وقتی یکی از نزدیکان می‌میرد به او می‌گوییم: او به جای دوری رفته ولی ما را می‌بیند و همین مسئله می‌تواند وحشت از هرگونه جدا شدن از والدین را به وجود بیاورد.

خصلت کودکان پرسیدن و پرسیدن است. تنها با تکرار کردن است که یک موضوع در ذهن آنها می‌نشیند، برای همین ممکن است سؤالی را ده‌ها بار از شما بپرسند. فکر نکنید که پاسخ شما برایش قانع‌کننده نبوده، گاهی تنها برای اطمینان از جوابی که شنیده، چند بار دیگر سؤال را تکرار می‌کند. همچنین از نوع سؤالات او مانند پس تو کی می‌میری؟ چرا عمو که از تو کوچک‌تر بود ولی تو زنده‌ای و... دلگیر نشوید.

این سؤالات تنها برای این است که ذهن کوچک او نیاز به تجزیه و تحلیل‌هایی از جانب خود دارد تا راحت‌تر با مرگ کنار بیاید. اینکه شما در مورد پدیده مرگ چگونه با کودک خود حرف بزنید بستگی به شما و فرزندتان دارد. اینکه او در چه سنی است، چگونه فکر می‌کند، از نظر احساسی در چه وضعیتی است، چه تجربی‌هایی را از سر گذرانده و... همه این موارد کمک می‌کند تا شما با شیوه‌ای درست با او ارتباط برقرار کنید.

